عوامل مؤثر بر اندازه اقتصاد غیررسمی
مقایسه اثر نرخ‌های مالیات و تعرفه با اثر متغیرهای نهادی

علی نصیری اقدم[۱]
مهدی نوری[۲]
محمد مهدی کاکاوندی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۸ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۲۹**

چکیده

اقتصاد غیررسمی گسترده، به معنای فرصت کمتر برای توسعه بنگاه‌های اقتصادی و به معنای پایه مالیاتی کمتر برای تأمین مالی درآمدهای دولت است. لذا تلاش برای رسمی شدن کسب وکارها یک اولویت اساسی است. این مقاله بر آن است تا نشان دهد با کاهش نرخ مالیات و نرخ تعرفه، با کاهش بار مقررات و با ارتقای کارایی نظام قضایی می‌توان فعالان اقتصادی را به فعالیت رسمی ترغیب نمود. برآوردهای این تحقیق نشان از آن دارد که: (۱) کاهش نرخ مالیات، هم در کشورهای پردرآمد و هم در کشورهای با درآمد متوسط و پائین باعث کاهش معنادار و قابل توجه نسبت فعالیت‌های غیر رسمی به تولید ناخالص داخلی می‌شود؛ (۲) کاهش تعرفه در کشورهای با درآمد بالا اثر معناداری بر اقتصاد زیرزمینی دارد؛ (۳) کاهش هزینه‌های شروع به کار در همه کشورهای نمونه اثر معناداری بر اندازه اقتصاد زیرزمینی می‌گذارد؛ (۴) کاهش هزینه‌های ثبت مالکیت در کشورهای با درآمد متوسط و پایین اثر معنادار دارد؛ و (۵) کارایی نظام قضایی تنها درکشورهای با درآمد بالا اثر معناداری در تبیین اقتصاد غیر رسمی دارد.

واژه‌های کلیدی: نرخ مالیات، بار مقررات، نرخ تعرفه، نظام قضایی، اقتصاد غیررسمی، محیط کسب و کار

۱- عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی واحد تهران (نویسنده مسئول) alinasiri110@gmail.com
۲- دانشجوی دکترای دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران m.nouri.7@gmail.com
۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران mahdi.kaka@yahoo.com

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

۱- مقدمه

اقتصاد غیررسمی[۱] به معنای فعالیت اقتصادی غیرقانونی[۲]، قاچاق[۳]، زیرزمینی[۴] و نظایر آن نیست؛ بلکه اقتصاد غیررسمی شامل فعالیت‌های متداولی است که زیر چتر حمایت قانونی قرار ندارند. معمولاً کسب و کار غیررسمی در نهادهای رسمی ثبت شده نیست و به تبع آن امکان دریافت تسهیلات و حمایت-هایی را ندارد که به فعالان رسمی تعلق می‌گیرد.

در سال‌های اخیر اقتصاد غیررسمی حداقل از دو جنبه مورد توجه ویژه قرار گرفته است (چن، ۲۰۰۷: ص ۱): اول اینکه علی رغم پیش‌بینی‌های مبنی بر کاهش دامنه اقتصاد غیررسمی، نه تنها در سال-های اخیر اقتصاد غیررسمی در بسیاری از کشورها رشد کرده است، بلکه در جاهایی ظاهر شده است که انتظار آن نمی‌رفت؛ و دوم اینکه حمایت از بنگاه‌های غیررسمی و افزایش کیفیت مشاغل غیررسمی به عنوان مسیرهای کلیدی رشد اقتصادی و کاهش فقر تشخیص داده شده است.

در جستجوی دلایلِ بالا بودن سهم اقتصاد غیررسمی، به خصوص در اقتصادهای در حال توسعه، این نتیجه حاصل شده است که: (۱) کسب و کار غیررسمی در فضایی توسعه می‌یابد که فعالیت رسمی پرهزینه باشد؛ و (۲) هزینه‌بر بودن فعالیت رسمی مربوط به محیط مقرراتی و نهادی ناکارآمد[۵] آن است (دسوتو، ۱۹۸۹ و ۲۰۰۰)

در این چارچوب، بخش مهمی از مطالعات به بررسی این موضوع اختصاص یافته است که چه نوع محیطی از حیث مقررات و کیفیت نهادها، مطلوب فعالیت رسمی و پشتیبان صاحبان کسب و کار است و چه نوع محیطی باعث توسعه فعالیت‌های غیررسمی است. لذا یک نوع تحلیل مقایسه‌ای آغاز شده است که از آن به عنوان «اقتصاد مقایسه‌ای جدید»[۶] یاد می‌شود و هدف از آن بررسی تطبیقی نهادها و مقررات در کشورهای مختلف و ارزیابی آثار آن بر رشد اقتصادی، توسعه فعالیت‌های رسمی، افزایش کمیت و کیفیت مشاغل و کاهش فقر است. در این زمینه مطالعات یانکوف، لاپورتا، لوپز دی-سیلانس و شلایفر (۲۰۰۲)، یانکوف، مک لیش و شلایفر (۲۰۰۷)، بوترو، یانکوف، لاپورتا و شلایفر (۲۰۰۴) از جمله مطالعات قابل استفاده است.

1-Informal Economy
2- Illegal Economy
3- Contraband
4- Underground Economy
5- Inefficient Institutional and Regulatory Environment
6-New Comparative Economy

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

مطالعه حاضر در زمینه مطالعات تطبیقی نهادها و مقررات انجام می‌شود و ادعای اصلی آن این است که با کاهش هزینه مالیات، کاهش نرخ تعرفه‌ها، کاهش هزینه آغاز به کسب و کار رسمی، با تسهیل هزینه ثبت مالکیت، و با افزایش کارایی نظام قضایی، از دامنه اقتصاد غیررسمی کاسته می‌شود و با اصلاح محیط نهادی و مقرراتی در جهت تعدیل نرخ مالیات بر سود شرکت‌ها، تقلیل موانع تعرفه‌ای، حذف بوروکراسی‌های هزینه زا در آغاز کسب و کار و تسهیل ثبت و نقل و انتقال اموال، می‌توان بخش بیشتری از فعالان اقتصادی را ذیل چتر حمایت‌های قانونی گرد آورد و از مزایای آن بهره‌مند شد. به منظور بررسی تفاوت‌های موجود میان کشورها از لحاظ درآمدی، کشورها به دو گروه با درآمد بالا و درآمد متوسط و پایین تقسیم شده است.

این مقاله با هدف برقراری ارتباط میان اقتصاد غیررسمی، نرخ مالیات، نرخ تعرفه و محیط نهادی به این ترتیب سازماندهی شده است: در بخش اول ارتباط نهادها و اقتصاد غیررسمی از منظر تئوریک مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش تأکید ویژه‌ای بر آرای هرناندو دسوتو شده است. در بخش دوم پیشینه تجربی موضوع مطمح نظر قرار گرفته و مهمترین متغیرهای اثرگذار بر اندازه کسب و کار غیررسمی شناسایی شده است. در بخش سوم با استناد به مبانی نظری و پیشینه تجربی، مدلی توسعه داده شده است که با ارجاع به مبانی رفتار فردی توضیح می‌دهد که در چه صورتی احتمال فعالیت صاحبان کسب و کار در بخش غیررسمی بیشتر است. در بخش چهارم مقاله روش‌شناسی مطالعه تجربی، داده‌های مورد استفاده و همچنین برخی وقایع آشکار شده تشریح گردیده، در بخش پنجم نتایج برآورد مدل تجربی ارائه شده، و در انتها مطالب جمع‌بندی می شود.

۲- مبانی نظری

این مطالعه در چارچوب نظریه بهبود محیط کسب و کار تنظیم شده است و ایده کلیدی آن کاهش هزینه مقررات و نظام بوروکراتیک کشور برای صاحبان کسب و کار است. این نظریه عمدتاً مبتنی بر اندیشه‌های هرناندو دسوتو در دو کتاب «راه دیگر» به سال ۱۹۸۹ و «راز سرمایه» به سال ۲۰۰۰ است.

دسوتو راز ثروتمند شدن جهان غرب و فقیر ماندن سایر نقاط جهان را سهولت تبدیل دارایی راکد به سرمایه مولد در جهان غرب می‌داند. او معتقد است دارایی‌های مردم در کشورهای فقیر بسیار زیاد و بسیار بیش از کمک‌های خارجی و سرمایه‌های وارداتی است. دلیل اینکه مردم این کشورها همچنان

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

فقیرند و نمی‌توانند به راحتی امرار معاش کنند این است که ایشان امکان به‌کارگیری دارایی‌های خود در بازارهای مختلف را ندارند و نمی‌توانند با داد و ستد آنها بازدهی مثبت اقتصادی کسب کنند.

دسوتو معتقد است که اگر می‌بینیم کشورهای غربی از بازارهای گسترده‌تری برخوردارند و کشورهای دیگر فاقد چنین چیزی هستند باید ریشهٔ آن را در نهادهایی جستجو کنیم که اجازه تبدیل شدن دارایی به سرمایه مولد را می‌دهند. از نظر او تفاوت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تنها در یک چیز است:

«اکثر مردم فقیر این کشورها صاحب دارایی هستند اما فرآیندی ندارند که مالکیت آنها را نشان داده و سرمایه ایجاد کند. آنها خانه دارند ولی نه حق مالکیت، محصول دارند اما نه سند فروش، کسب و کار دارند اما نه شخصیت حقوقی. فراهم نبودن این نهادهای ضروری، عاملی است که توضیح می‌دهد چرا مردمی که هرگونه اختراع غربی از گیره کاغذ تا راکتور اتمی را اقتباس کرده‌اند، نتوانسته‌اند سرمایه کافی تولید کنند و سرمایه‌های داخلی خود را به کار بیندازند»(دسوتو، ۲۰۰۰: ص ۳۱).

دسوتو با تیم تحقیقاتی‌اش که متشکل از ۱۰۰ کارشناس در رشته‌های مختلف مانند حقوق، اقتصاد و مدیریت بود به مطالعه میدانی در مورد موانع تبدیل پس‌انداز به سرمایه دست زد. آنها برای درک ناتوانی مردم فقیر در تبدیل پس‌اندازهای خود به سرمایه‌های مولد، یک کارگاه کوچک لباس‌دوزی در لیمای پرو تأسیس کردند. آنها در عمل دریافتند که برای تأسیس یک کارگاه کوچک به تعداد زیادی مجوز احتیاج است:

«هر روز شش ساعت برای این کار وقت صرف شد تا پس از ۲۸۹ روز و طی ۱۲۳۱ مرحله اداری توانستیم مجوز تأسیس بگیریم».[۱]

دسوتو مراحل اداری دستگاه‌های مختلف، در چند کشور در حال توسعه (پرو، مصر، هائیتی، و فیلیپین) را با کشورهای پیشرفته مقایسه کرد. او نشان داد تفاوت بسیار فاحشی میان سرعت نظام اداری کشورها وجود دارد:

«اخذ مجوز برای ثبت املاک در فیلیپین به ۱۶۸ مرحله و ۱۳ تا ۲۵ سال زمان نیاز دارد و ثبت اراضی بایر در مصر ۶ تا ۱۴ سال زمان می‌برد»(دسوتو، ۲۰۰۰: ص ۲۰).

۱- هرناندو دسوتو (۱۳۸۴)، «چرا اقتصاد غیررسمی اهمیت دارد؟»، ترجمه جعفر خیرخواهان، نشریه فصلنامه تأمین اجتماعي، شماره ۲۰، سال هفتم.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

به طور خلاصه، بر اساس نظریه او سیستم اداری و نظامهای مقرراتی بستر فرآیندی است که طی آن دارایی‌ها تبدیل به سرمایه می‌شوند و صاحبان آن می‌توانند با استفاده از آن وارد بازار شوند، کسب و کاری راه بیندازند و علاوه بر خود چندین نفر دیگر را نیز مشغول به کار کنند و سپس با وثیقه گذاشتن همین دارایی‌ها وام بگیرند و فعالیتشان را گسترش دهند و از فرصت‌های بکری استفاده کنند که در بازار وجود دارد و می‌تواند منشأ فرصت‌های شغلی متعددی باشد.

نتیجهٔ بلافصل ناکارآمدی نهادها و هزینه زا بودن آنها، گسترش سهم اقتصاد غیررسمی از تولید ناخالص داخلی است. دسوتو نشان می‌دهد که مهمترین دلیل بیکاری و فقر این است که نظام‌های قانونی (چه به لحاظ مقرراتی و چه به لحاظ اجرایی) هزینه فعالیت در بخش رسمی را به قدری بالا می‌برد که کسی نمی‌تواند متحمل آنها شود و به طور طبیعی افراد در بخش غیررسمی کارهایی را برای خود دست و پا می‌کنند و بخش غیررسمی بزرگ می‌شود.

فعالیت غیررسمی هم یک فعالیت اقتصادی نافع است ولی امکان مبادله در این بخش بسیار محدود است. زیرا اگر کسی بخواهد فعالیتش را گسترش دهد امکان تأمین مالی ندارد، اگر بخواهد نیروی کار جدید استخدام کند دچار محدودیت‌های بیمه‌ای است و اگر برایش اختلاف حقوقی پیش آید نمی‌تواند آن را به طور رسمی حل و فصل کند و اینها یعنی هزینه‌های مبادلاتی. این حجم بالای هزینه‌های مبادلاتی به طور مشخص مانع از گسترش فعالیت‌های اقتصادی در این بخش می‌شود.

به طور خلاصه، در دستگاه تحلیل دسوتو، عامل پیدایش و توسعه بخش غیررسمی در اقتصاد بالا بودن هزینه‌های فعالیت در بخش رسمی است و دلیل بالا بودن هزینه فعالیت در اقتصاد رسمی ناکارآمدی و پرهزینه بودن محیط نهادی و مقرراتی اقتصاد است.

در این چارچوب، در مقاله حاضر چهار دسته از عوامل که به نظر می‌رسد بیشترین اثر را در هزینه‌های فعالیت رسمی داشته باشند، به عنوان تبیین‌کننده‌های توسعه بخش غیررسمی فرموله شده‌اند. این عوامل عبارتند از: نرخ مالیات، نرخ تعرفه، بار مقررات و کارایی نظام قضایی. منطق استفاده از این عوامل به عنوان متغیر توضیحی به شرح ذیل است:

• نرخ مالیات

اگر نظام مالیاتی (اعم از قوانین، سازمان و رویه‌های مالیاتی) به نحوی تنظیم شده باشد که هزینه-های مالیاتی سهم معناداری از سود عملیاتی شرکت را به خود اختصاص دهد اختلال در تخصیص منابع افزایش می‌یابد، سرمایه‌گذاری در کل و بالاخص در بخش رسمی کاهش یافته، فعالیت

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

غیررسمی افزایش می‌یابد که نتیجه آن کاهش پایه مالیاتی و به تبع آن درآمدهای مالیاتی است؛ وقتی مالیاتها زیاد است و منافع فعالیت ناچیز به نظر می‌رسد، صاحبان کسب و کار انگیزه پیدا می‌کنند که از بخش رسمی خارج شوند و در بخش غیررسمی و به دور از چشمان ممیزان مالیاتی فعالیت کنند. یکی از مطالعات اخیر نشان می‌دهد که نرخ‌های مالیاتیِ بالاتر با سرمایه‌گذاری خصوصی کمتر و فعالیت رسمی پایین‌تر قرین است. ۱۰ درصد افزایش در نرخ مؤثر مالیات بر شرکتها منجر به کاهش نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی تا حدود ۲ درصد می‌شود و نرخ تشکیل کسب و کارهای جدید حدود ۱ درصد کاهش می‌یابد (یانکوف و همکاران، ۲۰۱۰).

یک مطالعه دیگر نشان می‌دهد که افزایش در نرخ قانونی مالیات بر شرکت به میزان یک درصد، سود سرمایه‌گذاران کنونی را ۱/۳۱ درصد کاهش می‌دهد (هوزینگا و لاون، ۲۰۰۸) و نسبت بدهی به دارایی را به طور متوسط ۱۸ درصد افزایش می‌دهد (این نکته تا حدی توضیح می‌دهد که چرا سود گزارش شده کمتر از واقع است)(هوزینگا، لاون و نیکودمه، ۲۰۰۸). همچنین ۱ درصد افزایش در نرخ مؤثر مالیات بر شرکتها، احتمال تأسیس واحدهای فرعی شرکتهای چند ملیتی در کشورهای میزبان را ۲/۹ درصد کاهش می‌دهد (نیکودمه، ۲۰۰۸).

•نرخ تعرفه

افزایش نرخ تعرفه، سودآوری مبادلات بین‌المللی را کاهش می‌دهد و تفاوت قیمت فروش و قیمت خرید میان کشورهای مختلف را افزایش می‌دهد. این شکاف قیمتی انگیزه‌ای هم برای فعالیت در اقتصاد غیررسمی و داد و ستد کالاها در خارج از مبادی رسمی ورود و خروج کالاها رخ می‌دهد.

•بار مقرراتی

منظور از بار مقرراتی به طور ساده این است که یک فعال اقتصادی جهت تمکین در برابر مقررات کسب و کار چه مقدار باید متحمل هزینه گردد. هر چند مالیات و تعرفه هم از طریق قوانین اجرا می‌شود اما جنس آنها از جنس پول است، در حالی که بار مقررات عمدتاً معطوف به کارایی نظام اداری و بوروکراسی در کشور است. برخی از مطالعات برآنند که اهمیت مقرراتِ بیش از حد و بوروکراسی عریض و طویل به مراتب بدتر از هزینه‌های شفاف مالیاتی است. اگر صاحبان کسب و کار به طور شفاف و رسمی مالیات پرداخت کنند بهتر از آن است که هزینه رفت و آمد به ادارات، تأخیر در انجام امور و هزینه رشوه را تحمل کنند. لذا این عامل چه بسا اثری بیش از مقررات بر شکل گیری اقتصاد غیر رسمی داشته باشد (فریدمن و همکاران، ۲۰۰۰).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

• کارایی نظام قضایی

صاحبان کسب و کار حداقل در دو صورت انگیزه کمتری برای ورود به فعالیت غیر رسمی پیدا می-کنند: (۱) با توجه به شیوع اختلافات قراردادی در فرآیند کسب و کار، اگر دستگاه قضایی در حل و فصل دعاوی قراردادی کارآمد باشد، ، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، برای فعّال اقتصادی مقرون به صرفه است که در نظام رسمی به فعالیت بپردازد. (۲) فعالیت در بخش غیررسمی نوعاً متضمن عدم پرداخت مالیات، عدم پرداخت تعرفه و نظایر آن است و لذا در صورت آشکار شدن فعالیت غیررسمی امکان آن وجود دارد که پرونده فعال اقتصادی به دادگاه کشیده شود.[۱] در نتیجه اگر دستگاه قضایی در رسیدگی به جرائمی نظیر فرار مالیاتی کاراتر باشد، صاحبان کسب و کار ترجیح خواهند داد در بخش رسمی فعالیت کنند. به عبارت دیگر، اگر هزینه فعالیت در بخش غیررسمی به واسطه کارایی دستگاه قضایی افزایش یابد، احتمال فعالیت بنگاه‌ها در بخش رسمی افزایش می‌یابد.

با این اوصاف، فرضیه مقاله حاضر با توجه به مطالعات نظری و تجربی پیشین آن است که با فرض ثبات سایر شرایط با افزایش نرخ مالیات و نرخ تعرفه، با تشدید بار مقررات و با ناکارایی نظام قضایی در حل و فصل دعاوی، احتمال فعالیت در بخش غیررسمی افزایش می‌یابد.

۲-۱- پیشینه تجربی

در همه نظریه‌های موجود در خصوص اقتصاد غیررسمی فرض بر آن است که رسمی شدن بنگاه، دارای بار مالی است؛ نظیر بار مالی ناشی از پرداخت‌های مالیاتی و بار مالی ناشی از تمکین در برابر الزامات قانونی. در مقابل، رسمی شدن منافعی در قالب دسترسی بهتر به منابع مالی و کالاهای عمومی دارد (برای نمونه مطالعات ازوما و گروسمن، ۲۰۰۲؛ لویزا، ۱۹۹۶؛ و مارکولر و یانگ، ۱۹۹۵ در این خصوص قابل مشاهده است). توازن این هزینه‌ها و منافع است که تعیین می‌کند یک بنگاه تصمیم بگیرد در بخش رسمی فعالیت کند یا در بخش غیررسمی فعالیت کند (دابلا نوریس و همکاران، ۲۰۰۸).

در این چارچوب مطالعات تجربی اندازه اقتصاد زیر زمینی را به متغیرهای ذیل مرتبط نموده‌اند:

۱- فعالان اقتصادی نوعاً همه فعالیت‌های خود را غیررسمی انجام نمی‌دهند. مثلاً داد و ستدهای خود را رسمی انجام می‌دهند اما به ممیز مالیاتی دفاتر حسابداری اصلی را نشان نمی‌دهند تا بتوانند از بار مالیات فرار کنند. یا ممکن است بخشی از نهاده‌های خود را از مبادی غیر رسمی وارد کشور کنند و از پرداخت تعرفه طفره روند.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

۱. **بار مالیاتی**[1]- نظر کلی این است که افزایش نرخ مالیاتی با فرض ثبات سایر شرایط باعث افزایش فعالیت‌های غیر رسمی می‌شود (کبولا، ۱۹۹۷ و گیلز و تدز، ۲۰۰۲). با این حال، نقدهایی هم بر این موضوع و اهمیت نسبی آن وارد شده است (برای مثال، فریدمن و همکاران، ۲۰۰۰).

۲. **بار مقرراتی**[2]- برای ثبت شرکت، استخدام نیروی کار، نقل و انتقال اموال و نظایر آن بنگاه باید مقرراتی را رعایت کند. هر چه هزینه‌های تمکین در برابر این مقررات کمتر باشد، احتمال فعالیت در بخش رسمی بیشتر خواهد بود و بالعکس (برای مثال آریول و والترز، ۲۰۰۵؛ فریدمن و همکاران، ۲۰۰۰؛ جانسن و همکاران، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰؛ و بوترو و همکاران، ۲۰۰۴).

۳. **توسعه یافتگی بازارهای مالی**[3]- هر چه نظام مالی توسعه یافته‌تر باشد و تأمین اعتبار در بازارهای مالی رسمی مقرون به صرفه‌تر باشد، احتمال فعالیت در بخش غیررسمی کمتر است (برای مثال، استراب، ۲۰۰۵)

۴. **کیفیت نظام قضایی**[4]- هر چه کیفیت نظام قضایی بهتر باشد و بنگاه‌ها بدانند که در صورت وقوع اختلافات قراردادی دسترسی به یک نظام قضایی کارآمد وجود دارد، احتمال اینکه تصمیم بگیرند که وارد بخش رسمی اقتصاد شوند، بیشتر است (برای مثال، دابلا نوریس و همکاران، ۲۰۰۸).

مطالعات تجربی در خصوص جهت اثرگذاری و شدت آثار هم رأی نیستند. برخی از مطالعات نرخ مالیات را دارای مهمترین اثرگذاری می‌دانند (برای مثال، اشنایدر و همکاران، ۲۰۱۰)، در حالی که سایر مطالعات اثر نرخ مالیات را با فرض کارآمدی نظام قضایی معنادار نمی‌دانند (برای مثال، دابلا نوریس و همکاران، ۲۰۰۸) و مطالعات دیگری ادعا می‌کنند که با وجود فساد، نرخ مالیات و اقتصاد غیررسمی غیر همسو هستند (برای مثال، فریدمن و همکاران، ۲۰۰۰).

در واقع مطالعات تجربی علاوه بر ارزیابی اثر متغیرهای فوق الذکر بر اندازه اقتصاد غیررسمی، تلاش کرده‌اند اهمیت نسبی آنها را نیز ارزیابی کنند. در واقع ایده اصلی این است که اگر اثر برخی متغیرها کنترل شود ممکن است اثر برخی متغیرهای دیگر محو شود.

اشنایدر و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه خود ضمن اندازه گیری اقتصاد غیررسمی در ۱۶۲ کشور دنیا به این نتایج دست یافته‌اند: (۱) متوسط وزنی اندازه اقتصادی غیررسمی (به عنوان درصدی از تولید

1-Tax Burden
2-Regulation Burden
3-Financial Market Development
4-The Quality of Legal System

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

ناخالص داخلی رسمی) از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است. در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ یا ۲۰۰۷، اندازه اقتصاد غیررسمی در حاشیه صحرای افریقا ۳۸.۴ درصد، در اروپا و آسیای مرکزی ۳۶.۵ درصد، و در کشورهای پردرآمد OECD ۱۳.۵ درصد است. (۲) نیروی محرک اقتصاد غیررسمی، بار مالیاتی، مقررات بازار کار، کیفیت کالاها و خدمات عمومی، و وضعیت اقتصاد رسمی است. (۳) کاهش بار مالیاتی بهترین اقدام سیاستی برای کاهش اقتصاد غیررسمی است و مقررات کسب و کار در اولویت دوم سیاست‌گذاری از حیث اثربخشی است و تخمین‌ها نشان می‌دهد که یک واحد بهبود در محرک-های فوق الذکر به ترتیب باعث کاهش ۰.۱۵ و ۰.۰۸ واحدی در اندازه اقتصاد غیررسمی می‌شود. (۴) اهمیت نسبی این نیروهای محرک به طور معناداری از یک گروه از کشورها به گروه دیگر متفاوت است.

دابلا نوریس و همکاران (۲۰۰۸) با استفاده از داده‌های سطح بنگاه به این نتیجه رسیدند که کیفیت چارچوب قضایی در تعیین اندازه اقتصاد غیررسمی نقشی تعیین کننده دارد و معناداری اثر مالیات‌ها، محیط مقرراتی و محدودیت‌های مالی با وجود یک نظام قضایی که به خوبی کار می‌کند کاهش می-یابد. علاوه بر این، در مطالعه مذکور نشان داده شده است که با کاهش اندازه بنگاه تمایل به غیررسمی بودن افزایش می‌یابد، و در حالی که محدودیت‌های تأمین مالی در بنگاه‌های کوچکتر باعث غیررسمی شدن می‌شود، ناکارآمدی دستگاه قضایی بنگاه‌های بزرگتر را ترغیب به فعالیت غیر رسمی می‌کند.

فریدمن و همکارانش (۲۰۰۰) به این نتیجه غیرمتعارف در ادبیات موضوع دست یافتند که در ۶۹ کشور مورد بررسی، نرخ‌های مالیاتی بالاتر با فعالیت غیررسمی کمتر به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی همراه بوده است. در عوض، مطالعه ایشان حاکی از آن است که فساد بیشتر هم حرکت با فعالیت غیررسمی بوده است. استدلال ایشان این است که کارآفرینان برای فرار از بار مالیات به بخش غیررسمی منتقل نمی‌شوند بلکه برای کاهش بار بوروکراسی و اجتناب از فساد است که به فعالیت غیررسمی روی می‌آورند. حرکت به سمت اقتصاد غیررسمی راهی برای فرار از «دست‌های رباینده»[1] است و این فرار باعث کاهش سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی می‌شود. در نتیجه، دولت‌های فاسد کوچک می‌شوند و دولت‌های غیرفاسد می‌توانند درآمدهای بالا و پایداری مالیاتی را کسب کنند.

1 - Grabbing Hands

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

انتونز و کاوالکانتی (۲۰۰۷) به این موضوع می‌پردازند که چه میزان از تفاوت اندازه بخش غیررسمی و تفاوت در اندازه درآمد سرانه در میان کشورها را می‌توان به هزینه‌های مقررات و چه میزان آن را می‌توان به تضمین قراردادهای مالی نسبت داد. نتایج مطالعه حاکی از آن است که: (۱) اندازه هزینه مقررات و نه میزان تضمین قراردادهای مالی می‌تواند تفاوت اقتصاد غیررسمی را در ایالات متحده و اروپای مدیترانه‌ای توضیح دهد؛ (۲) برای یک کشور در حال توسعه نظیر پرو هم هزینه مقررات و هم تضمین قراردادها، نقش معناداری در تبیین اندازه اقتصاد غیر رسمی دارد؛ و (۳) هیچکدام از دو متغیر مورد مطالعه توان تبیین تفاوت در درآمد سرانه در میان کشورها را ندارند.

این مرور مختصر بر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اولاً نرخ مالیات، بار مقررات، توسعه یافتگی بازارهای مالی و کارآمدی نظام قضایی در زمره مهمترین عوامل توضیح دهنده اندازه اقتصاد غیررسمی هستند؛ ثانیاً اهمیت نسبی متغیرها در تبیین اندازه اقتصاد غیررسمی در میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت است و چه بسا متغیری نظیر هزینه شروع کسب و کار که در ذیل متغیر بار مقررات قابل تعریف است در کشور در حال توسعه اثر معنادارتری بر اندازه اقتصاد غیررسمی داشته باشد تا در یک کشور توسعه یافته؛ و ثالثاً برخی از آثار مشاهده شده می‌تواند ناشی از عدم کنترل سایر متغیرهای اثر گذار (نظیر فساد و بوروکراسی دولتی) باشد.

مطالعه حاضر که یک ارزیابی تجربی در خصوص روابط میان متغیرهای کلیدی و اندازه اقتصاد غیررسمی است تلاش دارد اهمیت نسبی متغیرها را در نمونه‌ای از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته ارزیابی کند. مطالعه حاضر همچنان تأکید دارد که نرخ مالیات عاملی تعیین کننده و نیرومند در تبیین اقتصاد غیررسمی هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه است.

۳- تصریح مدل اقتصاد غیررسمی

در این پژوهش با بهره‌گیری از مدل لویزا (۱۹۹۶) و انجام تغییراتی در این مدل، عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد غیررسمی به صورت نظری مورد بررسی قرار گرفته تا مبنایی برای مدل تجربی این تحقیق قرار گیرد. لویزا (۱۹۹۶) اقتصاد را به دو بخش رسمی و غیررسمی تقسیم، و بیان می‌کند کارگزاران اقتصادی بر مبنای تحلیل هزینه- فایده به طور عقلایی فعالیت در بخش غیررسمی را بر می‌گزینند. در این مدل هزینه فعالیت در بخش رسمی به دو قسمت هزینه ورود به بخش رسمی و هزینه باقی ماندن

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

در بخش رسمی تقسیم شده و هزینه فعالیت در بخش غیررسمی نیز شامل پرداخت جریمه در صورت کشف خواهد بود که می‌تواند به صورت ضریبی از کل دارایی فرد باشد.[۱]

تابع تولید این مدل عبارت است از:

$$Y_i = A\left(\frac{G}{Y}\right)^{\alpha(Y^f)} k_i\,, \qquad 0 < \alpha < 1 \qquad (۱)$$

که در آن k_i و Y_i به ترتیب سرمایه و تولید فرد i را نشان می‌دهد همچنین A یک پارامتر برونزا است که نشان دهنده کارایی است. G بیانگر جریان ارائه خدمات عمومی است و Y میزان تولید کل را نشان می‌دهد. $\alpha(Y^f)$ کشش تولید نسبت به $\frac{G}{Y}$ کارایی خدمات عمومی نسبت به خدمات خصوصی را نشان می‌دهد که تابعی مستقیم از تولید کل اقتصاد رسمی است، به طوری که هرچه سطح اقتصاد رسمی بیشتر باشد کارایی خدمات عمومی نیز بیشتر خواهد بود، به بیان دیگر امکان اثرپذیری تولید از خدمات عمومی (کشش) افزایش خواهد یافت. همانطور که بیان شد یک کارگزار می‌تواند در یکی از دو بخش رسمی یا غیررسمی وارد شود در این صورت تولید او در هریک از این دو بخش به صورت زیر خواهد بود:

$$Y_i^F = (1 - (\tau(.) + s(.)))A\left(\frac{G}{Y}\right)^{\alpha(Y^f)} k_i \qquad ,0 < \tau < 1 \qquad (۲)$$

$$s = s(cs, re, ec) \qquad ,\tau = \tau(tr, tf) \qquad (۳)$$

$$Y_i^I = (1 - \pi)A\left(\frac{\delta G}{Y}\right)^{\alpha(Y^f)} k_i \qquad ,0 < \pi < 1 \qquad (۴)$$

در رابطه (۲) τ نشان دهنده نرخ مالیات مؤثر بوده که تابعی از نرخ مالیات (tr) و نرخ تعرفه (tf) است و همچنین s بیانگر نرخ مؤثر بار مقرراتی است که تابعی از هزینه آغاز به کار یا ثبت شرکت (cs)، هزینه ثبت رسمی اموال تحت تملک (re) و مراحل اجرای قراردادها توسط نظام قضایی (ec) می باشد. در رابطه (۴) نیز π نرخ مؤثر جریمه بوده و δ نسبتی از خدمات عمومی است که در دسترس بخش غیررسمی قرار دارد. نسبت حجم اقتصاد غیررسمی به کل اقتصاد را با I نشان می‌دهیم که به صورت زیر تعریف می‌شود:

۱- این ضریب می‌تواند بین صفر تا یک تغییر نماید.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

$$I = \frac{Y^I}{Y} \qquad (۵)$$

خدمات عمومی که به کارگزاران ارائه می‌شود تابعی از میزان مالیاتی است که دولت از بخش رسمی اقتصاد دریافت می‌کند، پس خواهیم داشت:

$$G = \eta(\tau Y^F) \qquad ,0 < \eta \leq 1 \qquad (۶)$$

که در آن η نسبتی از درآمد مالیاتی است که جهت تولید خدمات عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. خود این نسبت می‌تواند تابعی از میزان فساد موجود در بخش دولتی و نیز کارایی نظام دولتی در تخصیص بهینه مالیات به مخارج عمومی باشد. هرچه این نسبت به یک نزدیک شود، میزان از بین رفتن درآمد مالیاتی کمتر خواهد شد.

با تقسیم طرفین رابطه (۶) بر تولید کل و جای‌گذاری $(1 - I)$ به جای Y^F، نسبت خدمات عمومی به کل تولید برابر خواهد بود با:

$$\frac{G}{Y} = \eta(\tau(1 - I)) \qquad (۷)$$

نرخ مؤثر جریمه π در رابطه (۴) نشان داده شده است. این میزان جریمه می‌تواند بین صفر و یک باشد. اگر یک باشد یعنی در صورت کشف فعالیت غیرقانونی تمام دارایی فرد به عنوان جریمه از او گرفته خواهد شد ($\theta = 1$) و اگر برابر صفر باشد به معنی آن است که هیچ جریمه‌ایی از شخص گرفته نخواهد شد ($\theta = 0$). پس می‌توان آن را به صورت زیر تعریف نمود:

$$\pi = \theta I \quad 0 \leq \theta \leq 1 \qquad (۸)$$

با فرض اینکه امکان جابجایی کامل میان بخش رسمی و غیررسمی وجود دارد، بایستی نرخ بازگشت سرمایه در دو بخش با یکدیگر برابر شود. در نتیجه در تعادل خواهیم داشت:

$$(1 - \pi)\delta^{\alpha(Y^f)} = (1 - (\tau + s)) \qquad (۹)$$

و پس از قرار دادن رابطه (۸) در (۹) و مرتب‌سازی بر حسب I داریم:

$$I = \frac{\delta^{\alpha(Y^f)} - (1 - (\tau + s))}{\theta\delta^{\alpha(Y^f)}} \qquad (۱۰)$$

$$\mathrm{I} = \mathrm{I}(\tau, \delta, \theta, \alpha(Y^f), s) \qquad (۱۱)$$

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

بر اساس رابطه (۱۱) و (۳) عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی به صورت زیر بدست خواهد آمد[۱]:

$$I = I(tr, tf, \delta, \theta, Y^f, cs, re, ec) \quad (۱۲)$$

۴- روش‌شناسی و داده‌ها

با توجه به مبانی نظری و مطالعات تجربی، مدل زیر مبنای مطالعه تجربی در این مقاله قرار گرفته است:

$$\text{Informal Economy}=f(TR, GDP, TF, CS, RE, EC) \quad (۱۳)$$

در رابطه بالا، اقتصاد غیررسمی (پنهان) تابعی از نرخ مالیات، نرخ تعرفه، تولید ناخالص داخلی، هزینه فرآیندهای شروع کسب و کار، مراحل ثبت مالکیت و مراحل اجرای قراردادها توسط نظام قضایی در نظر گرفته شده است، به نحوی که مطابق فرضیه ارائه شده در قسمت مبانی نظری، مشتق اول آن نسبت به همه آنها مثبت است.

در این مطالعه به منظور بررسی عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد غیررسمی (IE) از نسبت اقتصاد غیررسمی به تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. این نسبت را اشنایدر و همکاران (۲۰۱۰) با روش علل چندگانه- شاخص چندگانه[۲] (MIMIC) برای کشورهای نمونه محاسبه و گزارش نموده‌اند.

متغیرهای توضیحی این پژوهش عبارتند از نرخ کلی مالیات (TR) به صورت درصدی از سود شرکت‌های تجاری، تولید ناخالص داخلی (GDP)، نرخ تعرفه[۳] (TF)، هزینه فرآیندهای شروع کسب و کار[۴] (CS)، مراحل ثبت مالکیت[۵] (RE) و مراحل اجرای قراردادها[۶] (EC).

نرخ کلی مالیات (TR) شامل کل پرداخت‌های اجباری برای یک بنگاه نوعی به عنوان درصدی از سود شرکت است. این نرخ علاوه بر نرخ قانونی مالیات بر سود شرکت شامل مالیات بر حقوق و دستمزد، پرداخت‌های تأمین اجتماعی، عوارض شهرداری، مالیات بر نقل و انتقال ملک و مالیات بر درآمد اجاره نیز می‌باشد. این نرخ سالانه بر اساس یک پرسشنامه استاندارد و قابل مقایسه در ۱۸۳ کشور جهان توسط گروه کسب و کار بانک جهانی محاسبه می‌گردد.

۱- δ, θ به عنوان پارامتر هستند و نه متغیر، لذا در مدل تجربی در نظر گرفته نشده‌اند.

2- Multiple Indicators – Multiple Causes (MIMIC)

3- Tariff Rate

4- Cost of Business Start-up Procedures

5- Procedures to Register Property

6- Procedures to Enforce a Contract

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

نرخ تعرفه (TF) میانگین وزنی نرخ تعرفه برای کالاهای وارداتی از شرکای اصلی تجاری هر کشور است. نرخ‌های تعرفه دارای وزنی به اندازه سهم کالای وارداتی از واردات است. اطلاعات مربوط به این شاخص از سیستم یکپارچه تجارت در سطح کدهای ۶ و ۸ رقمی استخراج شده است.

هزینه فرآیندهای شروع کسب و کار (CS) شامل تمام هزینه‌هایی است که یک فعال اقتصادی باید برای ثبت شرکت و آغاز به کار شرکت پرداخت نماید. این هزینه‌ها نسبت به درآمد ناخالص ملی سرانه هر کشور محاسبه و مقایسه شده است. مراحل ثبت مالکیت (RE) شامل تعداد مراحل لازم برای حصول اطمینان از حقوق مالکیت یک شرکت نسبت به اموال شرکت است. این شاخص سالانه توسط گروه کسب و کار بانک جهانی محاسبه می‌گردد.

مراحل اجرای قراردادها (EC) کارایی نظام قضایی را در حل و فصل دعاوی تجاری می‌سنجد. این شاخص شامل تعداد مراحل و اقداماتی است که یک بنگاه باید برای حل و فصل دعوای خود با یک بنگاه دیگر طی کند. این مراحل شامل، مراحل پیش از دادگاه، مراحل دادگاه، و مراحل اجرای حکم دادگاه است. داده‌های این متغیرها بر گرفته از پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی (WDI) و مربوط به سال ۲۰۱۰ میلادی می‌باشد. به دلیل تفاوت‌های ساختاری و نهادی در میان کشورهای مورد بررسی، این کشورها به دو گروه با درآمدهای بالا و کشورهای با درآمدهای متوسط و پایین[۱] تقسیم شده‌اند و هرکدام به طور جداگانه‌ای مورد واکاوی قرار گرفته‌اند[۲].

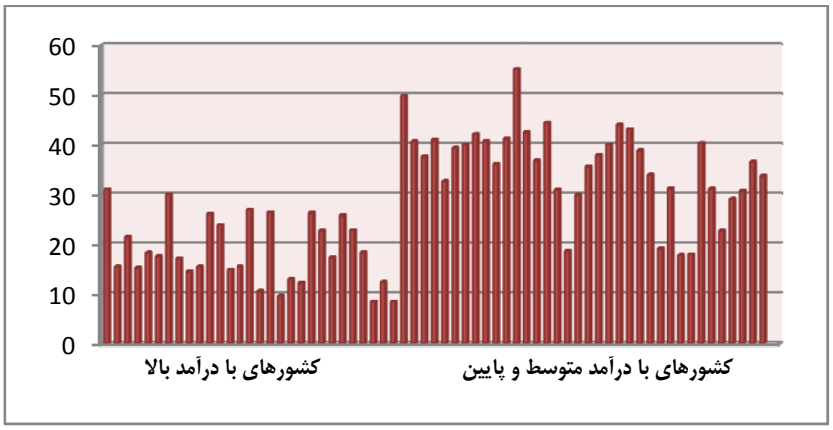
نسبت اقتصاد غیررسمی (پنهان) به GDP در کشورهای نمونه، نوسان قابل ملاحظه‌ای دارد و از ۵۵.۲ درصد در کشور تانزانیا تا ۸.۴ درصد در کشور سوئیس متغیر است. همانطور که از نمودار ۱ مشخص است، متوسط نسبت اقتصاد غیررسمی (پنهان) در کشورهای با درآمد بالا کمتر از کشورهای با درآمد متوسط و پایین است.

۱- باتوجه به محدودیت داده در رابطه با کشورهای با درآمد متوسط و درآمد پایین این دو گروه در یک گروه ادغام شدند.

۲- کشورهای با درآمد بالا شامل بحرین، کرواسی، هنگ کنگ، کویت، عمان، عربستان سعودی، سنگاپور، ترینیداد و توباگو، امارات متحده عربی، استرالیا، بلژیک، کانادا، جمهوری چک، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، کره، لوگزامبورگ، هلند، نروژ، لهستان، پرتغال، جمهوری اسلواکی، اسلوونی، اسپانیا، سوئد، سوییس، انگلستان، ایالات متحده آمریکا و کشورهای با درآمد متوسط و پایین شامل آلبانی، کامرون، کیپ ورد، کنگو، مصر، السالوادور، فیجی، غنا، هند، اندونزی، لائوس، لسوتو، مغولستان، مراکش، پاکستان، پاپوآ گینه نو، پاراگوئه، فیلیپین، سنگال، سریلانکا، زامبیا، بلغارستان، شیلی، چین، کاستاریکا، اکوادور، گابن، جمهوری اسلامی ایران، اردن، قزاقستان، لتونی، لبنان، مقدونیه، مالدیو، مکزیک، پالائو، پاناما، روسیه، صربستان، سنت لوسیا، ترکیه، ونزوئلا، بنگلادش، بنین، بورکینافاسو، چاد، اتیوپی، گینه، کنیا، قرقیزستان، ماداگاسکار، مالاوی، مالی، نپال، تاجیکستان، تانزانیا، اوگاندا است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

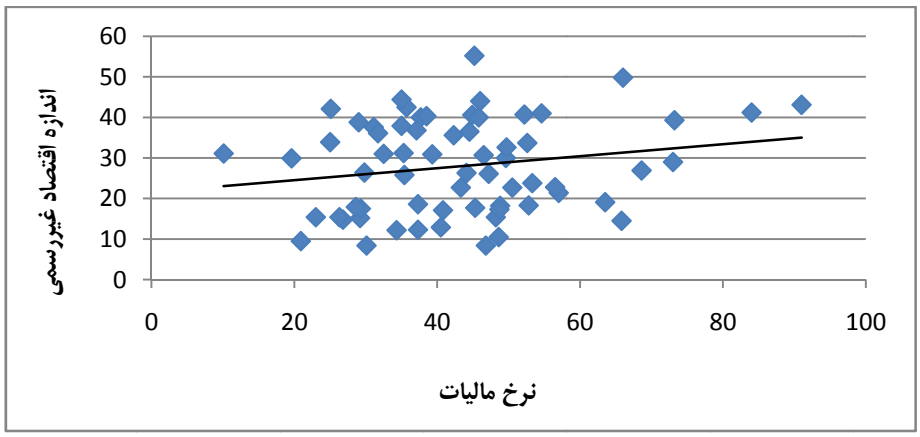
نمودار (۱)- اقتصاد غیررسمی در کشورهای با درآمد بالا و با درآمد متوسط و پائین



منبع: اشنایدر و همکاران، ۲۰۱۰

در نمونه مورد بررسی بالاترین نرخ مالیات مربوط به کشورهای سری‌لانکا و تاجیکستان است و پائین‌ترین نرخ مالیات مربوط به کشورهای لوکزامبورگ و هنگ کنگ است. مطالعه همبستگی میان نرخ مالیات و اندازه اقتصاد غیررسمی نشان می‌دهد که رابطه‌ای مثبت میان این دو متغیر وجود دارد. البته به منظور بررسی رابطه دقیق‌تر از تحلیل رگرسیون استفاده خواهد شد.

نمودار (۲)- نرخ مالیات و اندازه اقتصاد غیررسمی

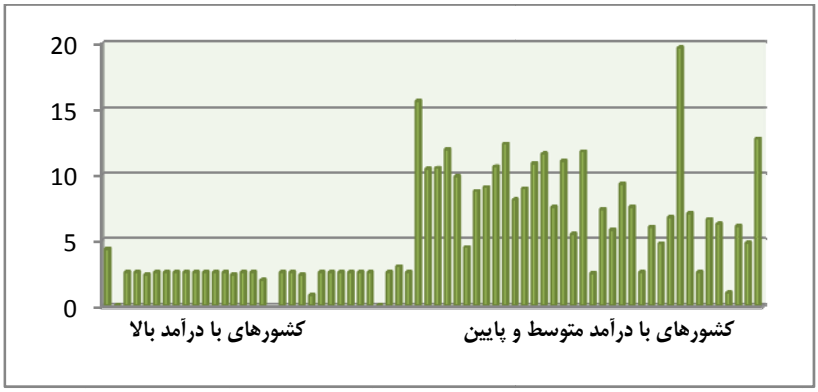


منبع: اشنایدر و همکاران، ۲۰۱۰ ؛ شاخص‌های بانک جهانی(WDI)

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

نرخ تعرفه در کشورهای با درآمد بالا به طور معناداری پائین‌تر از نرخ تعرفه در کشورهای با درآمد متوسط و پایین است به طوری که متوسط نرخ تعرفه در دسته اول ۲.۵۶ درصد و در دسته دوم ۸.۲۶ است.

نمودار (۳)- نرخ تعرفه در کشورهای با درآمد بالا و با درآمد متوسط و پائین



منبع: شاخص‌های بانک جهانی(WDI)

بار مقررات در این مقاله با استفاده از دو شاخص هزینه شروع کسب و کار، و مراحل ثبت مالکیت ارزیابی می‌شود و کارایی نظام قضایی در حل و فصل دعاوی با مراحل اجرای قراردادها سنجیده می‌شود. در نمونه مورد بررسی بالاترین مراحل اجرای قراردادها مربوط به کشورهای گینه و سنگال است و پائین‌ترین آن مربوط به کشور ایرلند است. مطالعه همبستگی میان مراحل انجام قرارداد و اندازه اقتصاد غیررسمی نشان می‌دهد که رابطه‌ای مثبت میان این دو متغیر وجود دارد.

نمودار (۴)- مراحل اجرای قراردادها و اندازه اقتصاد غیررسمی



منبع: اشنایدر و همکاران، ۲۰۱۰؛ شاخص‌های بانک جهانی(WDI)

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

۵- نتایج برآورد مدل

برآوردها حاکی از آن است که ضریب نرخ کلی مالیات (TR) در هر دو گروه درآمدی معنادار و مثبت است. علامت این متغیر دلالت بر این دارد که با افزایش نرخ مالیات، اقتصاد غیررسمی در همه کشورهای نمونه افزایش می‌یابد. علاوه بر این، به طور متوسط ضریب نرخ کلی مالیات در کشورهای با درآمد متوسط و پایین بیشتر از سایر کشورهاست. لذا می‌توان بیان داشت که نرخ مالیات اثرگذاری بیشتری بر اقتصاد غیررسمی در این کشورها دارد.

ضریب نرخ تعرفه (TF) تنها در گروه با درآمد بالا معنادار است و علامت ضریب آن نیز مطابق با نظریه می‌باشد؛ یعنی با افزایش نرخ تعرفه محدودیت‌های تجاری افزایش می‌یابد و کارگزاران اقتصادی گرایش بیشتری پیدا می‌کنند در بخش غیررسمی فعالیت نمایند و در نتیجه سهم اقتصاد غیررسمی افزایش می‌یابد. عدم معناداری ضریب نرخ تعرفه در کشورهای با درآمد متوسط و پایین و معناداری آن در کشورهای پردرآمد را می‌توان با سطوح متفاوت این نرخ در دو گروه مرتبط دانست. همانطور که از نمودار ۳ برداشت می‌شود میانگین این نرخ در کشورهای با درآمد بالا کمتر از میانگین کشورهای با درآمد متوسط و پایین است.[۱]

ضریب متغیر درآمد (GDP) در هر دو گروه منفی و معنادار شده است. به طور کلی از لحاظ نظری در رابطه با علامت این متغیر نمی‌توان با قطعیت نظر داد چرا که از یک طرف افزایش فعالیت‌ها و رونق در بخش رسمی اقتصاد، که آن را با افزایش (GDP) نمایش می‌دهیم، باعث انتقال افراد از فعالیت‌های غیررسمی به رسمی خواهد شد. اما از طرف دیگر افزایش (GDP) منجر به افزایش تقاضا برای محصولات اقتصاد غیررسمی و گسترش این بخش در اقتصاد خواهد شد. ضریب منفی به دست آمده در این مقاله مطابق با نتایج مطالعات فری و وک-هانمان (۱۹۸۴)، لویزا (۱۹۹۶)، باجادا و اشنایدر (۲۰۰۳) و دل آنو و اشنایدر (۲۰۰۳) است. به طور متوسط اثرگذاری این متغیر در کشورهای با درآمد بالا بیشتر است. به بیان دیگر، افزایش GDP در این کشورها منجر به کاهش بیشتری در اقتصاد غیررسمی خواهد شد.

۱- سطح پایین نرخ تعرفه در کشورهای با درآمد بالا را می‌توان به قوانین مربوط به سازمان تجارت جهانی(WTO) مربوط دانست که اکثر این کشورها در این سازمان عضو هستند و لذا بایستی سطح نرخ‌های تعرفه خود را کاهش دهند.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

جدول (۱)- نتایج تجربی عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی (پنهان) در کشورهای با درآمد بالا و با درآمد متوسط و پائین

	کشورهای با درآمد متوسط و پایین					کشورهای با درآمد بالا			
	۱	۲	۳	۴	۵	۱	۲	۳	۴
C	۵۰.۲۴۱** (۳.۷۳۸)	۴۵.۶۸۵** (۴.۲۲۱)	۵۱.۲۵۰** (۳.۹۷۹)	۶۹.۳۶۵** (۳.۷۸۷)	۷۱.۱۶۰** (۴.۰۸۵)	۶۷.۴۳۶** (۶.۰۶۱)	۶۷.۰۱۰** (۵.۹۵۳)	۵۳.۰۳۱** (۴.۷۰۲)	۵۳.۱۵۷** (۴.۶۱۹)
TR	۰.۱۸۸** (۲.۹۵۸)	۰.۱۷۱** (۳.۰۵۹)	۰.۱۷۶** (۲.۸۷۵)	۰.۱۹۶** (۳.۱۴۷)	۰.۱۸۴** (۳.۰۹۴)	۰.۱۶۷** (۲.۵۲۳)	۰.۱۶۲** (۲.۴۰۴)	۰.۱۲۸** (۲.۰۹۸)	۰.۱۲۷* (۲.۰۳۸)
LGDP	−۱.۱۲۹** (−۲.۰۹۸)	−۱.۱۴۰** (−۲.۴۶۶)	−۱.۳۷۲** (−۲.۵۸۵)	−۱.۲۲۴** (−۲.۳۰۵)	−۱.۴۷۶** (−۲.۸۴۱)	−۲.۳۱۶** (−۵.۱۰۲)	−۲.۲۵۵** (−۴.۸۲۹)	−۲.۱۷۹** (−۵.۳۲۳)	−۲.۱۶۲** (−۵.۱۰۷)
TF	۰.۲۴ (۰.۸۰۸)	-	۰.۰۸۶ (۰.۲۹۰)	۰.۲۶۴ (۰.۹۰۴)	۰.۱۰۶ (۰.۳۶۹)	۰.۹۹۵** (۲.۱۶۰)	۱.۰۲۵** (۲.۱۹۴)	۰.۸۵۱* (۲.۰۴۸)	۰.۸۶۳* (۲.۰۲۴)
CS	۰.۰۵۹* (۱.۷۵۰)	۰.۰۴۵** (۲.۱۴۷)	۰.۰۶۴* (۱.۹۵۲)	۰.۰۸۱** (۲.۲۳۰)	۰.۰۸۶** (۲.۴۹۰)	۰.۴۶۹** (۳.۴۷۷)	۰.۵۱۰** (۳.۴۳۳)	۰.۲۹۰** (۲.۱۱۴)	۰.۳۰۷* (۱.۹۷۲)
RE	-	۱.۰۸۲** (۲.۱۶۳)	۱.۰۳۵* (۱.۹۲۷)	-	۱.۰۶۱* (۲.۰۳۲)	-	−۰.۲۵۴ (−۰.۶۹۲)	-	−۰.۰۸۱ (−۰.۲۴۱)
EC	-	-	-	−۰.۴۸۴ (−۱.۵۰۲)	−۰.۵۰۳ (−۱.۶۴۳)	-	-	۰.۴۳۸** (۲.۷۲۵)	۰.۴۳۰** (۲.۵۷۲)
	۰.۴۶۳	۰.۳۷۶	۰.۵۲۴	۰.۵۰۲	۰.۵۶۶	۰.۶۷۶	۰.۶۸۲	۰.۷۵۰	۰.۷۵۰
	۰.۳۹۲	۰.۳۲۷	۰.۴۴۲	۰.۴۱۶	۰.۴۷۳	۰.۶۲۶	۰.۶۱۸	۰.۷۰۰	۰.۶۸۸
RSS	۶.۴۰۸	۶.۴۴۹	۶.۱۳۶	۶.۲۷۸	۵.۹۶۴	۳.۹۰۰	۳.۹۴۰	۳.۴۹۳	۳.۵۶۰
F	۶.۴۷۹**	۷.۵۶۳**	۶.۳۹۵**	۵.۸۵۲**	۶.۰۹۲**	۱۳.۵۶۴**	۱۰.۷۲۸**	۱۵.۰۱۸**	۱۲.۰۵۳**
	۶.۳۳۰**	۱.۴۱۵	۱.۱۵۹	۵.۷۲۰**	۳.۱۸۸	۰.۷۹۷	۰.۷۷۰	۳.۶۱۵	۳.۶۲۹
	۶.۴۸۹	۱۲.۴۳۶	۱۴.۰۲۷	۷.۱۴۷	۲۱.۰۱۹	۲۴.۰۹۴**	۲۵.۹۶۹	۲۵.۰۰۷	۲۹.۲۹۴

* اعداد داخل پرانتز نشان دهنده آماره t می‌باشد. معناداری در سطح خطای۱۰ درصد، ** معناداری در سطح خطای ۵ درصد

منبع: محاسبات تحقیق

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

یکی از عوامل دیگر اثرگذار بر اقتصاد غیررسمی متغیرهای مربوط به بار مقرراتی است. به طوری که با کاهش بار مقررات، گرایش به فعالیت در بخش رسمی اقتصاد افزایش می‌یابد و در نتیجه گرایش به اقتصاد غیررسمی کاهش پیدا می‌کند. در مطالعات پیشین در حوزه اقتصاد پنهان به این متغیرها کمتر پرداخته شده است. در این تحقیق اثر متغیرهای این حوزه نیز بر اقتصاد غیررسمی (پنهان) مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی از متغیرهای مورد استفاده برای سنجش بار مقررات، هزینه فرآیندهای شروع کسب و کار (CS) است. نتایج حاکی از آن است که در هر دو گروه از کشورها ضریب این متغیر مثبت و معنادار است. یعنی با افزایش هزینه فرآیندهای شروع کسب و کار اقتصاد غیررسمی افزایش خواهد یافت. کمتر بودن این ضریب در کشورهای با درآمد متوسط و پایین را می‌توان به مؤثر بودن سایر عوامل در این کشورها نسبت داد.

دیگر متغیر مورد استفاده برای سنجش بار مقررات، تعداد مراحل ثبت مالکیت (RE) است. ضریب این متغیر در کشورهای با درآمد بالا معنادار نشده، اما ضریب این متغیر در کشورهای با درآمد متوسط و پایین مثبت و معنادار شده است. یعنی با افزایش تعداد مراحل ثبت مالکیت اقتصاد غیررسمی نیز افزایش می‌یابد. در نهایت متغیر تعداد مراحل اجرای قراردادها (CE) تنها در کشورهای با درآمد بالا معنادار شده است.

با برآورد مدل‌های متفاوت و با توجه به معناداری ضرایب متغیرهای اثرگذارتر بر اقتصاد غیررسمی، مدل مناسب در کشورهای با درآمد بالا مدل سوم بدست آمده و در رابطه با کشورهای با درآمد متوسط و پایین مدل دوم مدل مناسب برآورد شده است. آزمون‌های تشخیصی[1] نشان دهنده عدم وجود خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی در دو مدل مذکور است.

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از این مقاله ارزیابی عوامل مؤثر بر توسعه اقتصاد غیررسمی است. در این مقاله با ابتنای بر دستگاه نظری هرناندو دسوتو این فرضیه پیش کشیده شد که اقتصاد غیررسمی صرفاً در اثر افزایش نرخ مالیات و نرخ تعرفه، که مستقیماً هزینه فعالان اقتصادی را افزایش می‌دهند، در اقتصاد ریشه نمی‌دواند بلکه محیط نهادی و مقرراتی اقتصاد هم در این زمینه مؤثر است. هر چه تمکین در برابر

1- Diagnostic Tests

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

مقررات، پرهزینه‌تر باشد و هر چه نظام قضایی در حل و فصل دعاوی ناکارآمدتر باشد، انگیزه فعالیت در اقتصاد غیررسمی افزایش می یابد.

برای ارزیابی این فرضیه مطالعه‌ای بین کشوری ترتیب داده شد و اثر نرخ مالیات، نرخ تعرفه، بار مقررات (شامل هزینه ثبت شرکت و هزینه ثبت مالکیت)، و کارایی نظام قضایی بر اندازه اقتصاد غیررسمی بررسی شد. نتایج مطالعه حاکی از آن است که افزایش نرخ مالیات همچنان نقش معنادار و نیرومندی در تبیین اندازه اقتصاد غیررسمی دارد. این اثر هم در کشورهای با درآمد بالا و هم در کشورهای با درآمد متوسط و پایین معنادار است و اثر آن قوی‌تر از سایر متغیرها است.

نرخ تعرفه عامل مبین اقتصاد غیررسمی در کشورهای با درآمد بالا است و اثر معناداری در کشورهای در حال توسعه ندارد. بررسی آماری نشان از آن دارد که نرخ تعرفه در کشورهای با درآمد بالا به طور متوسط پائین‌تر از کشورهای با درآمد متوسط و پایین است و لذا انتظار می‌رود افزایش نرخ تعرفه در این کشورها با واکنش بیشتری مواجه شود.

هزینه فرآیندهای شروع کسب و کار در هر دو گروه درآمدی دارای اثری مثبت و معنادار است. ضریب تعداد مراحل ثبت مالکیت تنها در کشورهای با درآمد متوسط و پایین مثبت و معنادار شده است. یعنی با افزایش تعداد مراحل ثبت مالکیت، اقتصاد غیررسمی نیز افزایش می‌یابد.

کارایی نظام قضایی نیز تنها در کشورهای با درآمد بالا تبیین کننده اندازه اقتصاد غیررسمی است و اثر معناداری در کشورهای با درآمد متوسط و پایین ندارد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

فهرست منابع

۱. دسوتو، هرناندو (۱۳۸۴)، «چرا اقتصاد غیررسمی اهمیت دارد»؛ ترجمه جعفر خیرخواهان، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۲۰، سال هفتم.

۲. دسوتو، هرناندو (۱۹۸۹)، «راه دیگر»، ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.

۳. دسوتو، هرناندو (۲۰۰۰)، «راز سرمایه، چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟»، ترجمه فریدون تفضلی، تهران: نشرنی، ۱۳۸۵.

۴. دسوتو، هرناندو (۲۰۰۱)، «راز حقیقی سرمایه‌داری»، ترجمه موسی غنی نژاد، چاپ شده در «پژوهش‌های راهبردی در توسعه اقتصادی ایران»؛ به کوشش محمد باقر نوبخت، معاونت پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژی مجمع تشخیص مصلحت نظام، جلد دوم، ۱۳۸۵، ص ۸۱۷-۸۵۸.

۵. سامتی، مجید؛ صامتی، مرتضی؛ دلائی میلان، علی (۱۳۸۸)، «برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران (۱۳۸۴-۱۳۴۴) به روش (MIMIC)»، مطالعات اقتصاد بین الملل، شماره ۳۵.

۶. میدری، احمد و قودجانی، اصلان (۱۳۸۷)، «سنجش و بهبود محیط کسب و کار»، تهران، جهاد دانشگاهی.

۷. نیلی، مسعود و ملکی، منصور(۱۳۸۵)، اقتصاد غیررسمی: علل ایجاد، روش های تخمین و اثرات آن بر بخش رسمی، فصلنامه شریف، شماره ۳۶.

۸. یانکوف، سایمن و مک لیش، کارالی (۲۰۰۶)، «فضای کسب و کار در سال ۲۰۰۶»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

9. Antunes, Antonio and Tiago Cavalcanti (2007), "Start-Up Costs, Limited Enforcement and the Hidden Economy", European Economic Review, Vol. 51, No.1, p.203–24.
10. Auriol, E., Warlters, M. (2005), "Taxation base in developing countries", Journal of Public Economics 89, 625–646.
11. Azuma, Y., Grossman, H. (2002), "A theory of the informal sector", NBER WP 8823.
12. Bajada, Ch. and F. Schneider (2003), “The Size and Development of the Shadow Economies in the Asia-Pacific”, Discussion Paper, Department of Economics, University of Linz, Austria.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

13. Botero, Juan C., Simeon Djankov, Rafael La Porta, and Florencio Lopez-de-Silanes (2004), "The Regulation of Labor"; Quarterly Journal of Economics
14. Cebula, R. (1997), "An empirical analysis of the impact of government tax and auditing policies on the size of the underground economy: the case of the United States, 1973–94", American Journal of Economics and Sociology 56, 73–186.
15. Chen, Martha Alter (2007), "Rethinking the Informal Economy: Linkages with the Formal Economy and the Formal Regulatory Environment", DESA Working Paper No. 46, 12 pages.
16. Dabla-Norris, Era, Mark Gradstein, and Gabriela Inchauste (2008), "What Causes Firms to hide output? The Determinants of Informality"; Journal of Development Economics, Vol. 85, Issues 1–2, February, p. 1–27.
17. Dell'Anno, R. and F. Schneider (2003), "The Shadow Economy of Italy and other OECD Countries: What Do You Know?" Journal of Public Finance and Public Choice, 21, 97-120.
18. Djankov, Simeon, Caralee McLiesh, and Andrei Shleifer (2007), "Private Credit in 129 Countries", Journal of Financial Economics, Vol. CXVII, No. 1, 37 pages.
19. Djankov, Simeon, Rafael La Porta, Florencio Lopez-de-Silanes, and Andrei Shleifer (2002), "The Regulation of Entry"; Quarterly Journal of Economics, Vol. 117, No. 1, p. 1-37.
20. Djankov, Simeon, Tim Ganser, Caralee McLiesh, Rita Ramalho and Andrei Shleifer (2010), "The Effect of Corporate Taxes on Investment and Entrepreneurship", American Economic Journal Macroeconomics.
21. Friedman, E., Johnson, S., Kaufman, D., Zoido-Lobaton, P. (2000), "Dodging the grabbing hand: the determinants of unofficial activity in 69 countries", Journal of Public Economics 76, 459–492.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

22. Friedman, E., Johnson, S., Kaufman, D., Zoido-Lobaton, P.,(2000), Dodging the grabbing hand: the determinants of unofficial activity in 69 countries, Journal of Public Economics 76, 459–492.
23. Frey, B. S. and Weck-Hannemann, H. (1984), “The Hidden Economy as an Unobserved Variable”, European Economic Review, 26 (1), 33-53.
24. Giles, D., Tedds, L. (2002), "Taxes and the Canadian underground economy", Canadian Tax Papers, vol. 106, Canadian Tax Foundation, Toronto.
25. Huizinga, Harry, and Luc Laeven (2008), "International Profit Shifting within Multinationals: A Multi-Country Perspective." Journal of Public Economics, 92: 1164–82.
26. Johnson, S., Kaufman, D., McMillan, J., Woodruff, C. (2000), "What do firms hide? Bribes and unofficial activity after communism", Journal of Public Economics, 76, 495–520.
27. Johnson, S., Kaufman, D., Zoido-Lobaton, P. (1998), "Regulatory discretion and the unofficial economy", American Economic Review Papers and Proceedings 88, 387–392.
28. Johnson, S., Kaufmann, D., Shleifer, A. (1997),"The unofficial economy in transition", Brookings Papers on Economic Activity, 2, 159–239.
29. Loayza, N. V. (1996), “The Economics of the Informal Sector: A Simple Model and Some Empirical Evidence from Latin America,” Carnegie-Rochester Conf. Series Public Policy, 45, 129–62.
30. Nicodème, Gaëtan (2008),“Corporate Income Tax and Economic Distortions”, CESifo Working Paper 2477, CESifo Group, Munich.
31. Schneider, Friedrich (2002), "Size and Measurement of the Informal Economy in 110 Countries Around the World", presented at an Workshop of Australian National Tax Centre, ANU,

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]

Canberra, Australia, July 17, 2002, 50 pages, http://www.economics.uni-linz.ac.at

32. Schneider, Friedrich; Andreas Buehn and Claudio E. Montenegro (2010), "Shadow Economies All over the World: New Estimates for 162 Countries from 1999 to 2007", The World Bank Development Research Group "Poverty and Inequality Team" and Europe and Central Asia Region, Human Development Economics Unit, Policy Research Working Paper, wps5356, 52 pages.
33. Straub, S. (2005), "Informal sector: the credit market channel", Journal of Development Economics, 78, 299–321.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-11]